

بازشناسی نقش بازار به عنوان عنصر ساختاری محلات در مکتب شهرسازی تبریز

(مورد مطالعاتی: بازار بزرگ تبریز)

۱۴۰۳/۱۰/۱۰

تاریخ دریافت مقاله :

۱۴۰۳/۱۱/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله :

مرتضی لطفی پور سیاهکلرودی^۱زهراسادات سعیده زرابادی^۲ (نویسنده مسئول)مصطفی بهزادفر^۳فرح حبیب^۴

چکیده

در تاریخ ایران به ویژه بعد از ورود اسلام، مکاتب هنری، معماری و شهرسازی به عنوان مولفه های ساخت تمدنی یک جامعه، متاثر از فرهنگ، اعتقادات و باورهای مذهبی، سیاست، خصوصیات جغرافیایی و اجتماعی برخاسته اند که دامنه تعالیم و اثرگذاری آنها از محدوده مکانی و زمانی خود فراتر رفته است. از مهم ترین این مکاتب، مکتب تبریز است که از دوره ایلخانی (مکتب اول تبریز) در قرن هفتم ه.ق آغاز و با یک سیر تحولی در دوره صفوی (مکتب دوم تبریز) شکوفا و در زمان قاجار نیز به اثرگذاری خود ادامه داد. بازار به عنوان یکی از مهم ترین عناصر تشکیل دهنده مکتب شهرسازی تبریز و عاملی اثرگذار بر سازمان فضایی شهر، در این مکتب به شمار می رود. عنصر بازار تقریباً در تمامی شهرهای گذشته ایران با ماهیتی اقتصادی-اجتماعی نقشی کلیدی در ساختار کالبدی-فضایی و همچنین تبلور هویت شهر داشته است. با این وجود در مکتب تبریز، بازار نقشی فراتر از کارکردهای معمول اقتصادی داشته و توسعه محلات و متعاقباً کلیه شئون زندگی شهروندان را متاثر از خود ساخته است. هدف پژوهش استنتاج نقش هویتی و تجلیات کالبدی-اقتصادی و اجتماعی بازار در مکتب شهرسازی تبریز و تاثیر آن بر ساختار محلات است. این تحقیق با ماهیتی تاریخی و روشی توصیفی-تحلیلی انجام شده و ضمن تکیه بر مطالعات کتابخانه ای (تاریخ شناسی مکتب شهرسازی و بازار تبریز) و بعضاً مشاهدات میدانی از بازار و محلات، موضوع از طریق تحلیل محتوای متون و اسناد بررسی شده است. نتایج بیانگر آن است که عوامل شکل دهنده و اثرگذار بر بازار تبریز و محلات پیرامونی در ۴ بعد کالبدی، محتوایی، کارکردی و محیطی قابل بازشناسی بوده و مولفه هایی چون رشد تدریجی، ایجاد محورهای حرکتی، کانون ها و مراکز عمومی، برخورداری از ورودی های متعدد و ایجاد نقش دوگانه مقصد و مسیر از ویژگی های اثرگذار بازار بر ساخت و توسعه محلات تبریز می باشد.

واژگان کلیدی: مکتب شهرسازی تبریز، بازار، محله، سازمان فضایی.

۱. دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (پست الکترونیک: z.zarabadi@srbiau.ac.ir).

۳. استاد، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

۴. استاد، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.



مقدمه

سبقه فرهنگی یک شهر را می‌توان اصلی‌ترین عامل در ظهور سبک‌های معماری، شهرسازی و مکاتب هنری آن برشمرد. همچنین مادامی که دستاوردهای مادی و معنوی مردمان یک سرزمین به مرحله‌ای از بلوغ و باروری که فراتر و گسترده‌تر از سبک‌هاست برسد، مکتب ساز می‌گردد (اهری، ۱۳۸۰: ۱۵). هرچند در برخی موارد خواست و فرمان حاکمیت‌ها در این زمینه می‌تواند نقشی شتاب دهنده داشته باشد. در این میان، برخی شهرها در تاریخ ایران زمین توانسته‌اند با در دست گرفتن جایگاه رهبری و الگوسازی در زمینه‌های مختلف علمی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، هنری و ... اثرگذاری بی‌بدیلی در تحولات فرهنگی و تاریخی کشور بر جای گذارند. بدون شک تبریز را می‌توان از جمله این شهرها دانست که در تاریخ تحولات ایران به ویژه در زمینه هنر، معماری و شهرسازی به عنوان یک مکتب نقشی محوری ایفا کرده است. این شهر در دوره ایلخانی (مکتب اول تبریز) به عنوان پایتخت کشور انتخاب و رونق و اعتباری بیش از پیش یافت و مرکز علم، سیاست، صنعت و تجارت شد و بعدها در دوره صفوی (مکتب دوم تبریز) نیز بر شکوه و عظمت خود افزود.

بازار به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر شکل دهنده محلات در مکتب شهرسازی تبریز به شمار می‌رود. عنصر بازار تقریباً در تمامی شهرهای گذشته ایران با ماهیتی اقتصادی-اجتماعی نقشی کلیدی در ساختار کالبدی-فضایی و همچنین تبلور هویت محله داشته است (سلطان‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۲۳). هرچند بازار در هر دیار تنوع و تفاوت‌های منطقی و منحصر به خویش را بر پایه مختصات فرهنگی، اقلیمی، اقتصادی و ... دارد. با توجه به اینکه بازار تبریز با ثبت جهانی خود به طور قطع یکی از ارکان هویتی شهر تبریز به شمار می‌رود، بازشناسی این عنصر و ابعاد پنهان موجود در آن می‌تواند کمک شایانی به فهم ساختار محلات سنتی شکل یافته بر اساس مکتب شهرسازی تبریز نماید. علت بنیادین انجام این پژوهش بهره‌مندی از الگوها و آموزه‌های مکاتب ایرانی شهرسازی بر مبنای فرهنگ بومی در توسعه محلات با لحاظ و تطبیق شرایط، نیازمندیها و اقتضائات امروزی شهرهاست که تبلور آن در تحقیق حاضر با هدف استخراج نقش هویتی و تجلیات کالبدی، اقتصادی و اجتماعی بازار - به عنوان یکی از مهمترین عناصر تشکیل دهنده محله - در مکتب شهرسازی تبریز می‌باشد. هرچند مطالعات در باب عنصر بازار در شهرهای ایرانی مسبق به سابقه بوده است، لکن پرداخت همه جانبه به نقش بازار در قالب عنصری کالبدی از یک مکتب شهرسازی و تاثیرات همه جانبه کالبدی، اقتصادی و فرهنگی در این پژوهش مدنظر قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

بررسی سیر تحولات ساختاری و فضایی تبریز و خاصه پرداختن به نقش بازار در آن موضوع پژوهش برخی محققین در سال‌های اخیر بوده است که هر یک از زاویه خاصی بدان ورود نموده‌اند:

در بخش اول (بازار تبریز)؛ مرصوصی و باقرخانی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان **"تحلیل کارکردهای اقتصادی بازار تبریز و حوزه نفوذ آن"** ضمن انجام مطالعاتی بر روی بازار تبریز از **بعد اقتصادی**، عواملی چون کاهش بارگذاری سطح فعالیت‌های تجاری، ایجاد رقابت‌پذیری با هدف کارایی اقتصادی و فضایی، تقویت، احیا و توسعه محوری کشور با عملکرد بازرگانی و تجاری و فعالیت کلانشهر تبریز با استفاده از ظرفیت‌های درونی مرکزیت بافت تاریخی را در ارتباط با بازار تبریز از بعد اقتصادی موثر دانسته‌اند.

پورجعفر و مولایی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان **"تبیین ویژگی‌های طراحی شهری ایرانی اسلامی تبریز"**، علاوه بر پرداختن به موضوع بازار بزرگ شهر از **بعد کالبدی و ساختاری** آن، به این نتیجه رسیده‌اند که سنت طراحی شهری تبریز، مکتبی است منحصر به فرد، دارای فضاهای شهری دلنشین و متنوع، بافت هماهنگ و دانه بندی نرم که درس‌های زیادی برای بازآموزی دارد.

مولایی (۱۳۹۸) با پرداختن به **بعد اجتماعی** بازار در مقاله‌ای با عنوان **"سرمایه اجتماعی در بازارهای تاریخ ایران مورد مطالعاتی بازار تاریخی تبریز"**، بیان می‌دارد که بازارهای تاریخی با برخورداری از الگوهای ارزشمند در ساختار و اجزاء خود مجموعه عظیمی از سنت‌های بومی و سرمایه‌های اجتماعی را حمل می‌کنند و سرمایه اجتماعی در بازار تبریز بر پایه سیستم کالبدی و فضایی، فرهنگ ایرانی و اسلامی، مرکزیت مساجد روابط همسایگی مستحکم و برگزاری مراسمات استوار است.

در بخش دوم (سیر تحولات فضایی تبریز)؛ بیلان اصل (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان **"ساختار فضایی شهر تبریز در دوره صفوی با مقایسه تطبیقی سفرنامه‌ها و اسناد تصویری"** به دنبال آن بوده است تا با استفاده از برخی سفرنامه‌ها و اسناد مصور، بتواند تصویری نسبتاً دقیق از ساختار فضایی تبریز عهد صفوی ارائه نماید. جابجایی مرکز حکومتی شهر از شمال رودخانه به ضلع شرقی بازار، از رونق افتادن میادین قبلی شهر در اواخر دوره و اهمیت یافتن میدان عتیق از جمله نتایج پژوهش وی می‌باشد.

همچنین منصوری و محمدزاده (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان **"تحولات سازمان فضایی شهر تبریز از اوایل اسلام تا دوره قاجار"** سازمان فضایی شهر را متأثر از نقش آن در ارتباط گسترده شرق و غرب، محدودیت‌های ساختار زمین در منطقه شمال غرب و زلزله و حملات همسایگان به عنوان عوامل تهدید کننده در ادوار مختلف دانسته‌اند و ساختار شهر را دارای شبکه‌ای شعاعی از مرکز به سمت لبه‌های شهر تصویر می‌کنند. معتقدند مرکزیت شهر در روند تحولات عنصری ثابت و هویت بخش به شهر بوده لکن قلمرو شهر وضعی متغیر و بی‌ثبات داشته‌است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر ماهیتی تاریخی و مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی دارد که برای تحلیل متون و اسناد از روش تحلیل محتوایی بهره گرفته شده است. با وجود برخی مطالعات میدانی، تکیه اساسی در پژوهش حاضر بر روش گردآوری اطلاعات از طریق کتابخانه‌ای بوده که در آن از اسناد تاریخی، کتب، مقالات و سایر منابع مرتبط استفاده شده است.

نوشتار پیش رو در چهار بخش کلی ارائه می‌گردد:

بخش اول: سیر تاریخی تحولات تبریز

بخش دوم: مکتب شهرسازی تبریز

بخش سوم: مطالعات بازار تبریز و ساختارهای مختلف آن

و بخش چهارم: نتایج و یافته‌ها که مبتنی بر اثرات بازار بر سازمان فضایی و ساختار محلات است.

شرح موضوع

۱- ادبیات نظری پژوهش

۱-۱- سیر تاریخی تحولات تبریز

شهر تبریز در دوره ایلخانی و صفوی با وجود فراز و نشیب‌های گوناگون از جمله آبادترین و پررونق‌ترین شهرهای ایران به شمار می‌رفته است. همچنین در دوره قاجار و تأثیرات مهمی که در موضوع انقلاب مشروطه از خود برجای گذاشت از بعد سیاسی و اجتماعی نیز نقشی تعیین کننده در پهنه جغرافیایی ایران زمین یافت. تبریز امروز نیز از بعد کالبدی و اقتصادی دارای جایگاه و اثرات انکارناشدنی است.

– **تبریز در دوره ایلخانی:** تبریز پس از برگزیده شدن به پایتختی ایلخانان در دوره آباقاخان و پسرش سلطان محمود غازان خان (۶۹۴ق/۱۲۹۵م) در زمره شهرهای بزرگ شمال غرب ایران قرار گرفت. در دوره قراقیونلوها فعالیت‌های متعدد عمرانی و آبادانی همچون احداث مجموعه‌های بزرگ آموزشی، خدماتی و مذهبی (که از نمونه باقیمانده آن می‌توان به

مسجد کبود اشاره کرد) در این شهر قابل بازشناسی است. در عهد آق قیونلوها این فعالیت‌ها با تاکید بر احداث بناهای تجاری (احداث پل بازارهایی در ادامه بازار تبریز)، مذهبی، درمانی و باغات ادامه یافت که شکل‌گیری مجموعه نصیرییه نمونه ای از این دست اقدامات است. اما با این وجود، در عهد غازان خان بود که تبریز به اوج شکوفایی و رونق خود رسید و به یکی از کانون‌های مهم سیاسی-اقتصادی روزگار خود تبدیل شد (محمدمرادی و دیگران، ۱۳۹۲: ۹۱). انتخاب تبریز به عنوان پایتخت ایلخانی موجب رشد شهرنشینی و ایجاد مسیرهای ارتباطی موثر میان شرق و غرب و شمال ایران گردید.

– **تبریز در دوره صفویه:** در سال ۸۷۹ ه.ش/ ۱۵۰۰ م تبریز مجدداً به عنوان پایتخت ایران برگزیده شد. تبریز عهد صفوی شش دروازه داشت و از محلات مختلفی تشکیل شده بود. در زمان شاه طهماسب و پس از وی تبریز از سوی عثمانی‌ها مورد حمله قرار گرفت. با شکست عثمانی‌ها از سوی شاه عباس شهر به تصرف دوباره صفویان درآمد. زلزله‌های پرشمار و جنگ‌های پی‌درپی در این دوره و دوران پیشین از جمله مهم‌ترین دلایل نابودی بسیاری از ابنیه و آثار کالبدی تبریز به شمار می‌رود. پس از بیرون راندن عثمانیان و تخریب بناهای عثمانی در تبریز به دست شاه عباس اول در سال ۹۸۹ ه.ش/ ۱۶۱۰ م، ساختمان‌های جدید احداث گردید (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۴۰۵).

– **تبریز در دوره قاجاریه:** تبریز در دوره قاجاریه با حفظ عنوان دارالسلطنه به عنوان شهر ولیعهدنشین سلسله قاجاری شناخته می شده است. شهر تبریز علاوه بر حضور ولیعهدان قاجاری در این شهر، به دلیل نزدیکی و ارتباط با منطقه قفقاز و کانون مبادلات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی با مناطق همسایه شمال غربی ایران همچنان نقش و اهمیت خود را در نظام سیاسی ایران حفظ کرد (نادر میرزا، ۱۳۷۳: ۲۵۶). با وقوع جنگ میان ایران و روس که مستقیماً شهر تبریز را از خود متاثر ساخت، این شهر علاوه بر اهمیت داخلی و استقرار ارتش و صنایع نظامی در آن، مورد توجه دول خارجی همچون روس، انگلیس، فرانسه و عثمانی قرار گرفت.

۲-۱- مکتب شهرسازی تبریز

هرچند امروزه در سیر مکتب شناسی شهرسازی ایران، مکتب اصفهان به واسطه شهرت آن و پرداخت بیشتر به موضوع شناخته شده تر به نظر می‌رسد، اما ظهور مکتب اصفهان در شهرسازی به یکباره اتفاق نیفتاد و مانند سایر شیوه‌های شهرسازی یا معماری ایران در امتداد سنت شهرسازی گذشته ایران قرار داشت (حبیبی، ۱۳۷۵ و اهری، ۱۳۸۵). یکی از مکاتبی که پیش از مکتب شهرسازی اصفهان در پهنه سرزمینی ایران شکل گرفت و تأثیرات انکارناپذیری از حیث معنایی و کالبدی بر مکتب اصفهان گذاشت، مکتب تبریز است (فروتن، ۱۳۸۸: ۹۶). مکتب تبریز در تمام شئون هنری (به ویژه نگارگری)، معماری و شهرسازی اثراتی فراتر از حوزه تمدنی خطه آذربایجان بر جای گذاشته است. تبریز دوره ایلخانی و صفوی توانست با رهبری جامعه ایرانی در عرصه‌های مختلف فرهنگی و هنری، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و عمران و آبادانی و همچنین به دلیل تولید اندیشه، نظریه‌ها، طرح‌ها و در مجموع یک نظام ارزشی برای چگونه ساختن و چگونه زیستن در سطح شهرها، به واقع در قامت یک مکتب ظهور و بروز کند.

در دوره ایلخانی یکی از مهم‌ترین عوامل مکتب ساز برای تبریز، عوامل سیاسی-ایدئولوژیک بود. از عوامل موثر بر شهر و شهرسازی دوره ایلخانی، می‌توان به علاقه‌مندی حاکمان این سلسله به ساخت و ساز در جهت ایجاد شکوه و عظمت (ایجاد آرمان‌شهر) و تبلیغ حاکمیت اشاره کرد. بیشتر مجموعه‌های شهری در این دوره همانند ربع رشیدی و غازانیه در تبریز مستقیماً به امر و با نظارت حاکمان ایلخانی یا وزرای آنان احداث گردیده‌اند (شکاری نیری، ۱۳۸۴: ۷۴). از سوی دیگر گرایش‌های مذهبی به تشکیل حکومت و ایجاد مراکز اجتماعاتی همچون خانقاه و مقابر عرفا با محوریت یافتن مراکز مذکور هسته‌هایی جدید در درون محلات یا خارج از شهر شکل گرفته و شرایط توسعه تدریجی دگرگونی فضاهای شهری را فراهم ساخت (عمرانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۷۵). از دوره ایلخانی به بعد توسعه شهر با ساخت مدارس، خانقاه‌ها، مساجد،

مقابر و ... به سمت هسته‌های جدید انجام شد. با گسترش شهر در مواردی ارسن‌های مذهبی در داخل شهر قرار گرفتند، یا در داخل شهر ایجاد شدند و محله‌های جدید را تشکیل یا هسته اصلی شهر را توسعه دادند (فروتن، ۱۳۸۸: ۱۰۰).

– **عوامل اجتماعی** از جمله عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری فرم و فضاهای شهری در مکتب تبریز است. پیوند تنگاتنگ دو گروه اجتماعی (بازرگانان و زمین‌داران) موجب شد تا هر کدام از گروه‌های اجتماعی احداث عناصری از شهر را بر عهده گیرند. حال آنکه صنعتگران و تجار در احداث بازارها پیشتاز بودند و محلات اطراف بازار را به عنوان سکونتگاه خود برمی‌گزیدند (پتروفسکی، ۱۳۷۹: ۴۵۸). بدین گونه عناصر گوناگون شهری در کنار هم قرار می‌گرفتند و ساکنان محله‌ها در رقابتی چشمگیر به توسعه و عمران فضاهای شهری مبادرت می‌ورزیدند. محلات در مکتب شهرسازی تبریز بر تمایزات اجتماعی، شغلی و قومی متکی و واجد خودگردانی نسبی بودند.

– **عوامل اقتصادی** از دیگر عوامل شکل‌گیری مکتب شهرسازی تبریز در دروه ایلخانی و صفوی بود. رشد شهری بر مبنای تجارت (ناشی از واقع شدن تبریز در چهارراه ارتباطی شمال غرب) در هر دو دوره به صورت مشترک دیده می‌شود. البته این رشد بیشتر حول محور مناطق نسبتاً بزرگ که انبار کالا و بازار کالاهای گوناگون و همچنین مراکز تولید کالاهای صنعتی بودند، شکل گرفت (سمرقندی، ۱۳۵۳: جلد ۲: ۸۳۸).

– **عوامل محیط زیستی** نیز در این خصوص قابل توجه است. همانگونه که راپاپورت معتقد است: "عملکردهای انتظام بخش سه جنبه اکولوژیکی (در رابطه با محیط) یا جنبه جمعیتی (در رابطه با جمعیت و اعداد) یا تخصصی و تکنولوژیکی (در رابطه با مکان انجام فعالیت‌ها) دارد" (راپاپورت، ۱۳۸۳: ۴۱۴). یکی از قابل توجه‌ترین ویژگی‌های مکتب شهرسازی تبریز، سازگاری و همسان سازی کامل آن با بوم طبیعی، آب و هوا و سایر شرایط اقلیمی است.

– **دانش‌های بومی** که می‌تواند به عنوان عامل نهایی در این زمینه بازشناخت. فضای شهری در مکتب تبریز، تجلی انگاره‌هایی است که نحوه شکل‌گیری فضای کالبدی در محیط شهری را سامان و انتظام می‌بخشد و آن را با روح کلی حاکم بر شکل‌گیری فضای شهر که با تفکر اسلامی انطباق دارد، هماهنگ می‌سازد. به عبارت دیگر سعی دارد فضایی پرهیزکننده از بیهودگی، با استفاده از نیارش و خودبستگی و درون‌گرا بیافریند. به عبارتی فضای شهری در مکتب تبریز (به خصوص تبریز عهد صفوی) تجلی این بینش دیرپاست که معماری و شهر باید با استفاده از امکانات، فناوری، مصالح و دانش بومی شکل گیرد و در این فرآیند حداکثر بهره‌وری از منابع و توان‌ها به عمل آید.

۳-۱- مفهوم بازار در شهر ایرانی-اسلامی

بازارها به مثابه مرکز مهم اقتصادی شهرهای ایرانی-اسلامی نقشی بی‌بدیل در عملکرد و حیات شهری ایفا نموده‌اند. بازار گرچه محل داد و ستد بوده و هست ولی قلمرو آن در تمدن شهرهای ایرانی-اسلامی از یک مکان و سازوکار مبادله فراتر می‌رود و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را در بر می‌گیرد و از همین روست که به عنوان یک عنصر هویت ساز و از ارکان کالبدی و اجتماعی شهر قلمداد می‌شود (ایراندوست و دیگران، ۱۳۹۵: ۶).

قدمت بازار در سکونتگاه‌های ایران به چندین سده قبل از میلاد بر می‌گردد. بازار از عناصر مهم شهری در دوره ساسانیان و اشکانیان بوده است. بازارهای بزرگ شهری در قرن‌های چهارم و پنجم ه.ق گسترش یافتند و قدرت گرفتن اصناف و بازرگانان پیش از حمله مغولان آغاز شد (ابن بطوطه، ۱۳۶۱). پس از حمله مغول و در دوره ایلخانی (مکتب اول تبریز) و حاکمیت غازان خان و الجایتو با همت وزیران آنها، اصناف و مردم، بازارها مجدداً نقش خود را در فضاهای شهری بازیافتند و این رکن مهم ساختار شهری در دوره صفویه (مکتب دوم تبریز) به اوج رشد و شکوفایی خود رسید (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۳۱).

۴-۱- سیر تحولات بازار در ادوار تاریخی تبریز

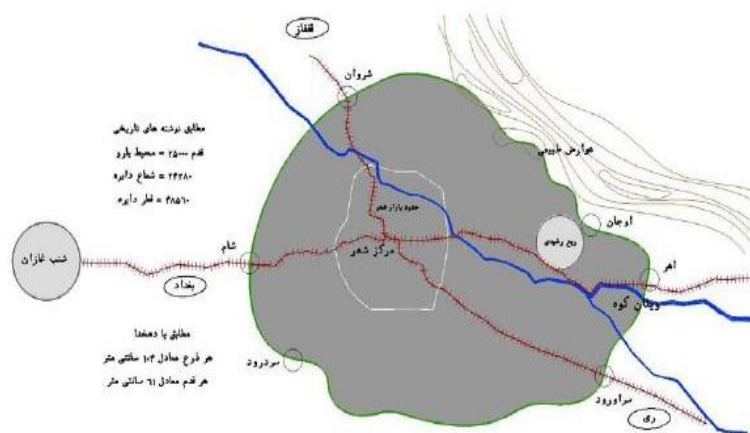
بازار تبریز برخاسته از مکتب شهرسازی تبریز در دو دوره ایلخانی و صفویه با مساحتی در حدود یک میلیون مترمربع مهم‌ترین و بزرگترین بازار سرپوشیده قدیمی ایران به‌شمار می‌رود. این بازار حدود ۳ سده پیش و پس از وقوع زمین‌لرزه تاریخی تبریز در سال ۱۱۹۳ قمری توسط نجفقلی خان دنبلی حاکم وقت تبریز بازسازی شده‌است. بسیاری از جهان‌گردانی که از سده چهارم هجری تا دور قاجاریان از این بازار بازدید کرده‌اند، درباره آن اطلاعاتی ارائه داده‌اند. اغلب تیمچه‌ها و سرای‌ها بازار دارای سه طبقه می‌باشند که طبقه زیرین مخصوص انبار کالا، طبقه دوم تجارتخانه و محل کار و طبقه سوم جهت استراحت و آسایش طراحی شده‌است.

بازار تبریز در گذشته در محدوده مرکزی شهری به همراه دیوانخانه، مسجد جامع و بافت مسکونی پیرامونی آن قرار داشته است. این محدوده توسط بارو و دروازه های هشت گانه ای محصور می شده اند (اولیاء چلبی، ۱۳۶۹). به مرور محدوده بازار تبریز گسترش یافته به گونه ای که از سمت شمال به مهران رود یا قوری چای (توسط پل بازارهایی به آن طرف رود) امتداد یافته است. از جنوب به خیابان جمهوری که در دوره پهلوی اول توسعه یافته، از غرب به مسجد جامع تبریز و از شرق به ارگ حکومتی عالی قاپو (مجموعه کاخ های ولیعهد نشین) که در حال حاضر محل ادارت دولتی تبریز است منتهی می شود.

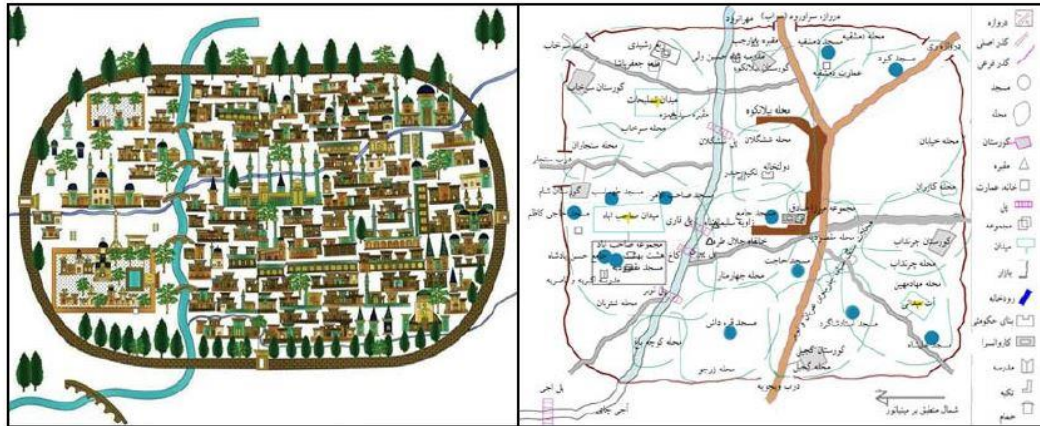
شاردن در ۱۴۳۳ه.ش/۱۹۳۶م تبریز را از بهترین شهرهای ایران دانسته و در توصیف و تشریح شهر تبریز چنین می گوید که: «شهر نظم هندسی ندارد، دارای نه محله، و پانزده هزار دکان در بازارهاست» (شاردن، ۱۳۷۵: ۲۳۹). وی قیصریه را بزرگترین بازار تبریز دانسته که دارای سیصد کاروانسرا با ظرفیت سکونت حدود سیصد نفر در برخی از آنها بوده است (همان منبع).

در عهد ایلخانی و در دوره غازان خان به دلیل پایتختی تبریز و واقع شدن در مسیر راه های بازرگانی در کنار دروازه های شهر، بازارها شکل گرفتند. در ادامه حکومت ایلخانان رفته رفته قلمرو شهر تبریز را حصار گسترده ای تشکیل داد که علاوه بر محلات، بسیاری از باغ های اطراف شهر را نیز در بر می گرفت (مستوفی، ۱۳۶۲: ۳۳۱). احداث مراکز جدید شهری و مسجد جامع علیشاه در جنوب مرکزیت شهر از موضع بازار و مسجد جامع به سمت این مراکز و عناصر جدید شهری تغییر یافت (شکل ۱).

شکل ۱. حدود گسترش شهر تبریز با توجه به رودخانه، جاده ابریشم، دروازه ها و نیز دو قطب مهم فرهنگی مذهبی ربع رشیدی و شنب غازان در دوره ایلخانی با استناد بر مطالب سیاحان به مرکزیت بازار و مسجد جامع است پیشنهاد قبل از دوره ایلخانی دارند و امروزه نیز پابرجای هستند (مأخذ: بلیان اصل، ۱۳۸۶: ۲۱۲)

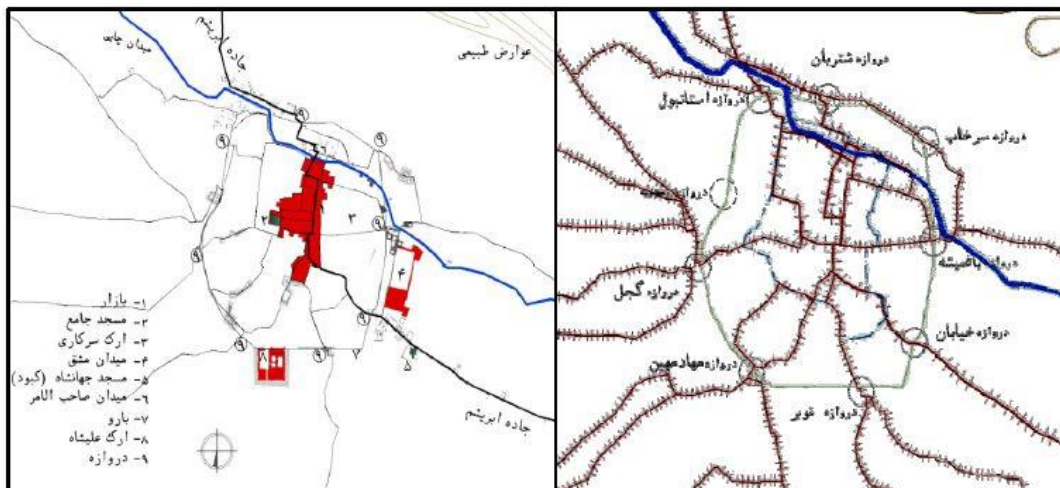


شکل ۲. سمت چپ مینیاتور ترسیم شده از تبریز در سال ۱۵۴۲م. توسط شخص نضوح افندی - سمت راست حدود گسترده‌گی و عناصر مهم شهر تبریز در دوره صفوی از دیدگاه سیاحان با استناد بر مینیاتور مطراقچی (مأخذ: مطراقچی، ۱۳۷۹).



شاکله امروزی بازار کنونی تبریز را می‌توان از قاجاری دانست (عمرانی، ۱۳۹۵: ۸۳). تیمچه و سرای مظفریه به عنوان مهم‌ترین قسمت بازار و تیمچه امیر به عنوان مرکز عمده تجارت فرش، طلا و جواهر تبریز در سال ۱۲۵۵ ه.ق احداث شد. در این دوره تبریز دارای ۹ محله به نام‌های خیابان، باغمیشه، شتران، سرخاب، چهارمنار، ویجویه، امیرخیز، نوبر و مه‌ماد میهن بود (فخاری و دیگران، ۱۳۸۵). در این دوره مجموعه بازار در مرکز هندسی شهر همچنان به عنوان مرکزیت اصلی سازمان فضایی تبریز مطرح بوده است (شکل ۳). در امتداد اکثر بازارها، راسته بازارهایی شکل می‌گرفت که به بازار اصلی در مرکز شهر منتهی می‌شد و محلات نیز در این دوره همانند دوره صفوی به صورت شعاعی بر گرد بازار تشکیل شده بودند (خامچی، ۱۳۷۵: ۱۵۳).

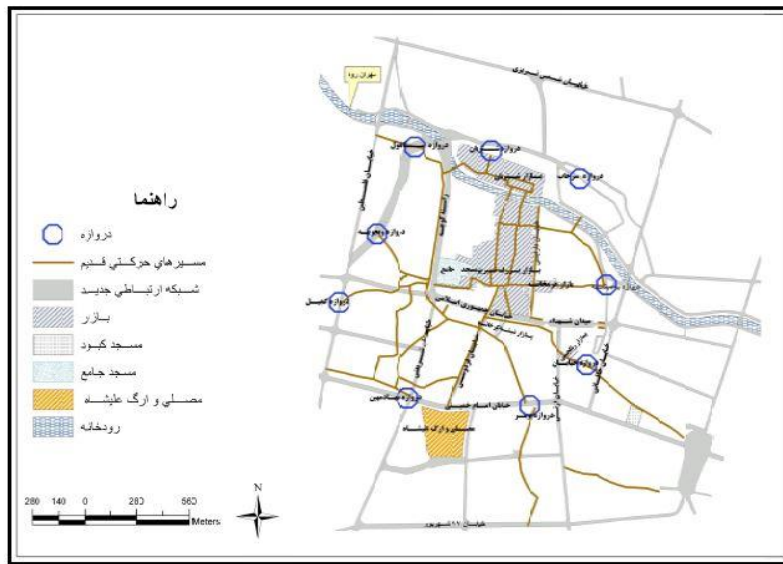
شکل ۳. سمت چپ حدود شهر و عناصر معمار و شهری تبریز در اوایل دوره قاجار و پس از زلزله ۱۱۹۴ ه.ق - سمت راست بارو و دروازه‌های نجفقلی خانی به همراه گذرهای اصلی شهری. (مأخذ: بلیان اصل، ۱۳۸۶: ۲۲۵)



۲- بازار تبریز، ساختار و کارکردهای آن در نظام شهری

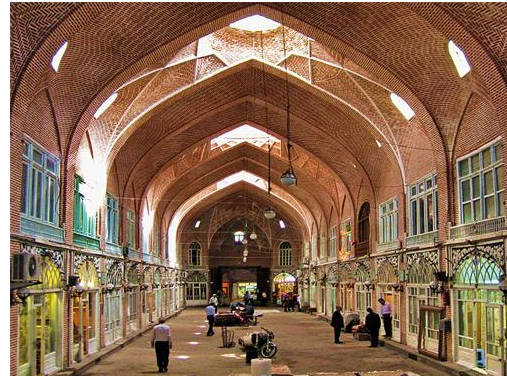
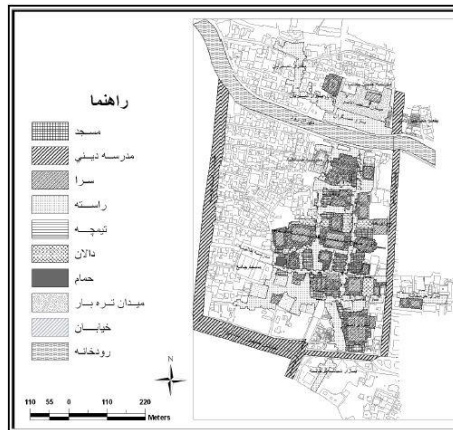
عناصر و ساختار کالبدی شهر تبریز، ضمن تاثیرپذیری از شرایط اقلیمی، جغرافیایی، سیاسی و نظامی در گذشته، از عناصر اصلی الگوی شهرهای ایرانی-اسلامی نیز تبعیت می کرده است. عناصر عمده شهر عبارت بودند از: بازار، مسجد جامع و دیوانخانه یا ارگ که در مرکز شهر جای داشته و پیوندی تنگاتنگ با یکدیگر برقرار می کردند (پورجعفر و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۲). چنانچه بازار تبریز قلب تپنده اجتماعی و اقتصادی شهر در نظر گرفته شود، مسجد و مدارس دینی در ضلع غربی بازار و دیوانخانه و عمارت شمس العماره، جبه خانه، قصرهای شاهی، حرمخانه، چاپارخانه و ... در ضلع جنوب شرقی آن قرار داشتند (شکل ۴).

شکل ۴. موقعیت فضایی مجموعه بازار تبریز و نواحی پیرامون



بازار تبریز با ۲۷ هکتار مساحت با سبک معماری و آرایش منحصر به فرد غرفه ها، کثرت تیمچه ها، کاروانسراها، دالان ها و راسته ها، تنوع و تعدد حرف و صنوف و تعداد بسیاری از مساجد و مدارس که در مجاورت بازار شکل گرفته اند، به نمونه ای کم نظیر از یک مرکز مهم تجاری شرقی و ایرانی-اسلامی تبدیل شده است. بافت اصلی بازار تبریز از دو راسته سرپوشیده شمالی جنوبی و شرقی غربی تشکیل شده است. عرض بازارها بین چهار تا پنج متر و ارتفاع سقف راسته ها نیز پنج تا شش متر است که در مقایسه با سقف بازارهای نواحی مرکزی و گرمسیر بسیار کوتاه تر است. راسته های اصلی توسط راسته های فرعی و کوتاه تر با هم ارتباط دارند و در فضاهای بین آنها نیز سراها، کاروانسراها و تیمچه های متعددی ایجاد شده است. (شکل ۵).

شکل ۵. سمت راست تصویر و موقعیت بازار تبریز - سمت چپ ساختار کالبدی بازار تبریز



بررسی مقایسه ای بازار تبریز با بازارهای مشابه خود نشان می دهد این بازار از حیث ساختار بر خلاف بازارهای اصفهان، شیراز و تهران که ساختاری خطی دارند، دارای ساختاری شبکه ای است. همچون از نظر مجموع طول راسته ها با طول ۵۷۶۰ متر در مقامی بالاتر از بازارهای فوق به ترتیب با ۱۵۰۰، ۲۲۰۰ و ۳۸۰۰ متر طول قرار دارد.

۱-۲- شاخص های اثرگذار بر شکل گیری ساختار بازار در مکتب شهرسازی تبریز

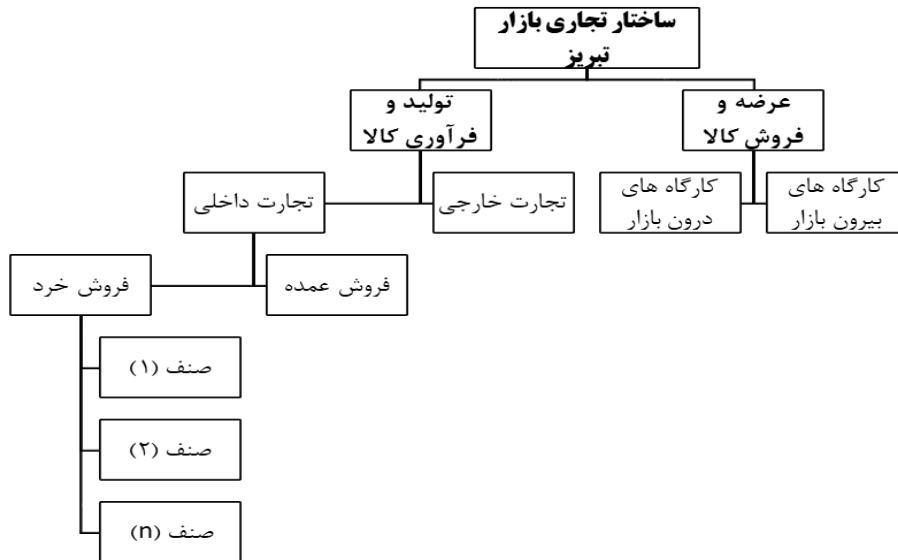
با توجه به مطالعات نظری صورت گرفته از مفهوم بازار در مکتب شهرسازی تبریز در در عصر ایلخانی و صفوی، می توان به این نتیجه رسید که بازار به عنوان یک عنصر مهم شهری در پیوستگی و یکپارچگی با نظام شهری پیرامونی خود تعریف شده و به صورت متقابل و دو سویه در تاثیرگذاری [بر] و تاثیرپذیری از محیط اطراف خود قرار داشته است. هرچند پژوهش های پیشین نیز بازار تبریز را در مقیاس تک عنصر و از حیث جزئیات شکل دهنده آن همچون سراها، راسته ها و ... مورد واکاوی قرار داده اند، لکن در یک نگاه جامع و کلان می توان شاخص های اثرگذار بر شکل گیری ساختار بازار در مکتب شهرسازی تبریز به طور کلی در ۴ دسته زیر تقسیم کرد:

- ساختار اقتصادی
- ساختار اجتماعی و فرهنگی
- ساختار طبیعی و محیط زیستی
- ساختار کالبدی

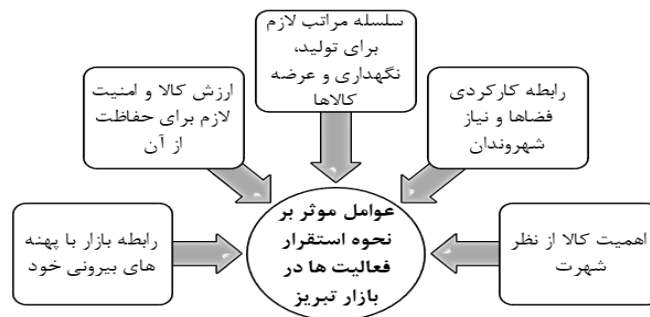
۱-۲-۱- ساختار اقتصادی بازار در مکتب شهرسازی تبریز:

استقرار شهر تبریز در محل عبور جاده ابریشم در سده های گذشته به عنوان یکی از مهم ترین عوامل اقتصادی در شکل گیری و رونق بازار تبریز قلمداد می گردد (باربارو، ۱۳۷۹: ۱۰۹). این راه که از چین آغاز می شد و از درون آسیای مرکزی می گذشت، در بخارا قسمت اصلی آن از راه مرو، سرخس، نیشابور، گرگان به ری می آمد و از ری به قزوین، زنجان، تبریز و ایروان می رفت و از ایروان به ترابوزان یا به یکی از بندرهای شام پایان می گرفت (پورجعفر و دیگران، ۱۳۹۵). کلاویخو در آغاز قرن نهم (۸۰۵ق/۱۴۳۰م) در گذر از تبریز، در بازار این شهر بیش از هر کالای دیگری پارچه های ابریشمی و تافته و ابریشم خام را ذکر می کند (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۳۴). به عبارت دیگر بازار تبریز در آن زمان یکی مراکز مهم تولید و عرضه ابریشم و دیگر کالاها در ایران بود (شکل ۶).

شکل ۶ ساختار تجاری بازار تبریز (مأخذ: اقتباس از پورجعفر و مولایی؛ ۱۳۹۵)

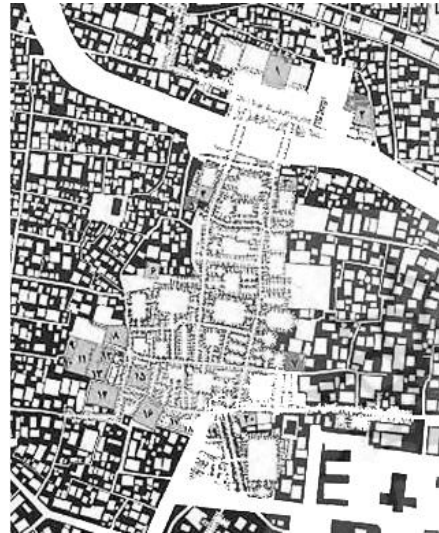


شکل ۷. عوامل موثر بر نحوه استقرار فعالیت ها در بازار تبریز (مأخذ: نگارندگان به اقتباس از پورجعفر و مولایی؛ ۱۳۹۵)



شکل ۸. برگزاری مراسم سوگواری ایام محرم در بازار تبریز





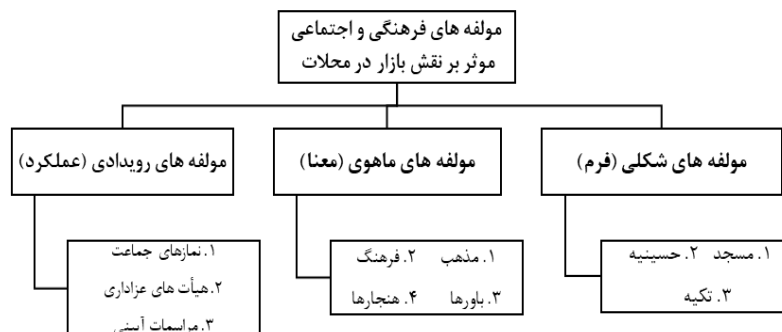
شکل ۹. مساجد مستقر در بازار تبریز به عنوان مهم‌ترین نماد فرهنگی-مذهبی شهر

۱. مسجد حسن پادشاه ۲. مسجد ثقه الاسلام ۳. مسجد حاج صفرعلی ۴. مسجد صادقیه ۵. مسجد مولانا ۶. مسجد قره باغ لی لر ۷. مسجد خسروشاهی ۸. مسجد دینوری ۹. مسجد حجه الاسلام کوچک ۱۰. مسجد حجه الاسلام ۱۱. مسجد جمعه ۱۲. مسجد خانه اوغلی ۱۳. مسجد آلچاخ ۱۴. مسجد ۶۳ ستون ۱۵. مسجد امام جمعه ۱۶. مسجد شهیدی ۱۷. مسجد خلخالی ۱۸. مسجد قیزیلی ۱۹. مسجد سفید آقا ۲۰. مسجد شهید قاضی ۲۱. مسجد کوچک

۱-۲-۲. ساختار فرهنگی و اجتماعی بازار در مکتب شهرسازی تبریز:

بازار از جمله عناصر منحصر به فرد شهرهای اسلامی است. از همین رو بازار تبریز از قرن‌های نخستین اسلامی، از شهرتی خاص برخوردار بوده و برای پاسخگویی به فعالیت‌های تجاری، منطقه وسیعی از شهر را در برمی گرفت. بازار تبریز از قرن چهارم هجری در منابع مختلف آمده است. پس می‌توان گفت که از عمر بازارهای مسقف تبریز حداقل هزار سال می‌گذرد (مشکور، ۱۳۵۲: ۲۱۱). بازار تبریز علاوه بر برخورداری از ثبات و پایداری اقتصادی، در پیوند و آمیختگی با فرهنگ اسلامی از فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی در فضاهای خود نیز برخوردار بوده است. پراکندگی مساجد در لبه‌های بیرونی بازار به منظور خدمات رسانی هم‌زمان به اهل بازار و اهل محله از ویژگی‌های بارز تلفیق فرهنگ اسلامی و بازار و امتزاج آن با محله در مکتب شهرسازی تبریز است. همچنین تلفیق مسجد با مراکزی همچون کتابخانه و پیش‌بینی فضایی برای برگزاری مراسم مذهبی و اعیاد نشان از درهم آمیختگی بازار تبریز با فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی با محوریت مذهب دارد (شکل‌های ۷ و ۸).

شکل ۱۰. مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی موثر بر نقش بازار در محلات



سرمایه اجتماعی در بازار تبریز در شش زمینه (فرهنگی و مذهبی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی، معنایی و فضایی) قابل شناسایی است. **سنت های اجتماعی و فرهنگی** در بازار تاریخی تبریز خود به دو دسته عام و خاص بازار تقسیم می شوند. مراودات همسایگی حجره ها و مراجعه به مساجد برای ادای نماز جماعت از رویدادهای روزمره اجتماعی و فرهنگی بازاریان است. برگزاری عزاداری در ایام محرم، پخش نذورات و احسان از سوی کسبه در مناسبت های مختلف در تیمچه ها، راسته ها، سراها و مساجد بازار مهم ترین سنت های بازار تاریخی تبریز است (شکل ۱۰). در زمینه **تاریخی**، میراث تاریخی و فرهنگی کالبدی و غیرکالبدی منبعث از بازار و در زمینه **اقتصادی** نیز سنت های اقتصادی، آیین و قواعد صنوف، انصاف در خرید و فروش کمک به مستمندان از سوی بازاریان، تعادل در خرید و دوری از مصرف گرایی به عنوان اصول اقتصادی شناخته می شود. در زمینه **معنایی** غنای حسی و احساس تعلق به فضا و ادراک معانی و ایجاد خاطرات جمعی از حضور در فضای بازار قابل اهمیت بوده و در زمینه **فضایی** نیز بناها و فضاهای اجتماع مدار و رعایت سلسله مراتب فضایی در بخش درونی بازار و در شیوه آن به محیط بیرونی شهر در بازار تبریز کاملاً هویداست.

۱-۲-۳- ساختار طبیعی و اقلیمی بازار در مکتب شهرسازی تبریز:

اساس ساختاری بازار تبریز در ارتباط با موضوعات طبیعی و محیط زیستی را آسایش اقلیمی در برابر سرمای هوا در فصول سرد تشکیل می دهد. وضعیت جغرافیایی تبریز و نزدیکی به کوه سهند و طولانی بودن ایام سرد سال دشواری حضور در فضاهای عمومی و باز از سوی مردم را منجر می شود. به منظور مقابله با این موضوع (مشابه با ساختار کالبدی نواحی گرم و خشک) فشردگی شهر و محله ها، فشردگی ساختمان ها و سرپوشیده نمودن بسیاری از فضاهای عمومی همچون بازار به مثابه یک راهکار در نظر گرفته شده است. راسته ها، سراها و تیمچه های سرپوشیده تبریز زندگی، حضور طولانی مدت و حیات اجتماعی در بازار تبریز را در ایام سرد سال ممکن ساخته است. در واقع می توان گفت آسایش اقلیمی، نظام توده و فضای فشرد، استفاده از مصالح بوم آورد و استفاده از پوشش های گیاهی در سراها ۴ مولفه اصلی در ساختار طبیعی و اقلیمی بازار در مکتب شهرسازی تبریز اند (شکل ۱۱).

شکل ۱۱. سمت راست توجه به جریان نور طبیعی در راسته بازار و سمت چپ وجود درختان و پوشش گیاهی در سراهای بازار تبریز



۴-۱-۲- ساختار کالبدی و فیزیکی بازار در مکتب شهرسازی تبریز:

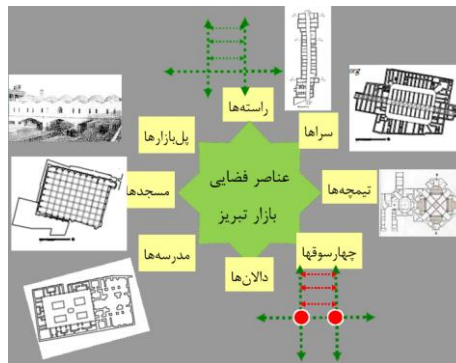
هسته مرکزی شهر تبریز در داخل یک چهارضلعی قرار گرفته و بازار تبریز در مرکز این چهار ضلعی واقع شده است. این بازار از سمت شرق به عالی قاپو (مجموعه کاخ های ولیعهدنشین) و از سمت غرب به مسجد جامع محدود شده و از سمت شمال، بخش هایی از شمال رودخانه مهران رود را شامل می شود و این دو بخش به وسیله پل های چوبی که در امتداد راسته

بازار قرار دارند، به هم متصل می‌شوند. نخستین نقشه از بازار تبریز در سال ۱۳۲۷ هجری، در بخشی از نقشه دارالسلطنه تبریز و به دست اسداله خان مراغه ای ترسیم شده است (مومنی، ۱۳۸۰). بازار تبریز همانند سایر بازارهای شهرهای ایرانی-اسلامی و به شکل نسبتاً کامل تری، ستون فقرات کالبدی شهر را تشکیل می‌داده و در پیوند با سایر عناصر شهری شبکه به هم پیوسته ای را در ساختار کالبدی شهر به وجود آورده است. بازار تبریز از دو شاخه اصلی تشکیل شده که به موازات یکدیگر از دروازه شهر شروع و به قلب قدیمی شهر متصل می‌گردد. در واقع بازار در بین این دو مجموعه قرار دارد. در بازار تبریز مساجد متعددی در لبه های بافت بازار قرار گرفته اند تا سایر بافت های همجوار با بازار نیز بتوانند از آن بهره مند گردند. این مساجد به عنوان کانون های فرهنگی و اجتماعی و مهم ترین مراکز انتظام بخش به مجموعه بازار تبریز هستند.

۲-۲- عناصر فضایی بازار تبریز

عناصر فضایی بازار در مکتب شهرسازی تبریز در ۸ دسته سراها، راسته ها، پل بازارها، مساجد، مدارس، دالان ها، چهارسوق ها و تیمچه ها تقسیم بندی می‌شود. پل بازارهای تبریز بر روی رودخانه مهران رود (قوری چای) با فلسفه وجودی تداوم تجارت و ارتباط تجاری طرفین رودخانه ایجاد شده است. طول این پل بازار به اندازه عرض رودخانه و از نظر فرمی دارای گنبد های بیرونی (با دید از منظر عمومی محلات پیرامونی) و طاق و قوس های داخلی است (شکل ۱۱).

شکل ۱۱. عناصر فضایی بازار تبریز

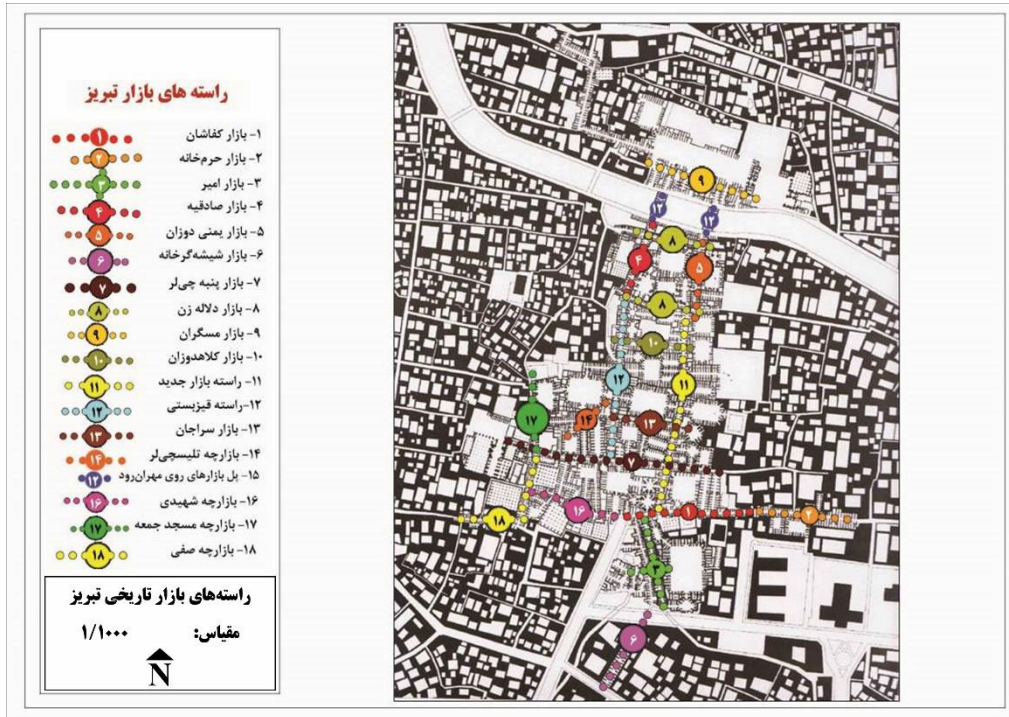


۱-۲-۲- شبکه ارتباطی بازار

بازار تبریز یک شبکه ارتباطی متشکل از تعدادی راسته های موازی و متقاطع است که دو راسته اصلی تر آن عبارت از دو راسته شمالی- جنوبی است که به طور تقریبی و با اندکی اعوجاج و جابه جایی، با یکدیگر موازی هستند. تعدادی راسته عمود بر این دو راسته نیز وجود دارد که مهم ترین آن، مسیر و امتداد بازار حرمخانه، بازار کفاشان و بازار مسچی است. راسته ها در بازار تبریز که به عنوان شریان های اقتصادی و مسیرهای خطی حرکتی با کانون های مهم در دو انتهای راسته هستند، دارای نقشی چندمنظوره (اجتماعی، فرهنگی، محیط زیستی و آیینی) می باشند. راسته ها غالباً به صورت تخصصی با سیستم حجره ای به عرضه کالا می پردازند. این سیستم حجره ای یکی از مهم ترین نظم های اقتصادی، کالبدی و فضایی بازار را به وجود می آورند. سیستمی که دارای سکانس های خرده و عمده فروشی، راسته های فرعی و دالان های اختصاصی برای عرضه کالا و خدمات است. دکان ها در کنار راسته های اصلی و فرعی قرار دارند و فضاهای واقع در پشت آنها به کاروانسراها و تیمچه ها اختصاص یافته است. راسته های بازار تبریز، مسیرهای تجاری تخصصی، چندمنظوره (اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی، آیینی) هستند. در بازار تبریز تناسب و مقیاس حجره ها و راسته ها با

تناسب ارتفاع به عرض ۲ به ۱ از مقیاسی انسانی برخوردار است. راسته ها با یکدیگر در ارتباط بوده و امکان دسترسی به فضاهای باز (سراها) و فضای گشاده (تیمچه ها) و فضای فرهنگی (مسجد) وجود دارند (شکل ۱۲).

شکل ۱۲. راسته های بازار تبریز



۲-۲-۲ تیمچه ها

اغلب تیمچه های بازار تبریز بعد از دوران صفویه و بالاحص در دوره قاجاری احداث شده اند. تیمچه با گشایش فضایی، محلی برای مکث و توقف بیشتر است. تیمچه ها در بازار تبریز محل تجمعات و برگزاری مراسمات مذهبی و اجتماعی نیز بودند. هر کدام از تیمچه ها ضمن اختصاص فضایی برای محل استقرار تجار بزرگ و خاص بازار (حجره)، عملکرد تخصصی و عرضه کالای خاصی را بر عهده دارند. پلان تیمچه ها طیف متنوعی از هندسه مستطیلی، مربع، دایره و ترکیبی را در بردارد. تیمچه ها به دلیل وجود کالاهای گران قیمت در بطن راسته بازارها و در محل های امن تری ایجاد شده اند.

۲-۲-۳ سراها

اغلب سراهای بازار تبریز در دوره قاجاری و در مسیر دروازه ها و با امکان بارگیری و باراندازی کاروان بازرگانان احداث شده اند. سراها، نقاط عطف بازار، گشوده به آسمان و با آسایش اقلیمی مطلوب می باشند. استفاده از مصالح چوبی در سقف ها، ستون ها، بازشوها، آجرهای قرمز رنگ و کفسازی آجری و سنگفرش از جمله ویژگی های سراهای بازار در مکتب شهرسازی تبریز محسوب می شوند. پلان سراها متنوع، اغلب مستطیلی، دارای ابعاد متناسب و برگرفته از الگوی باغ ایرانی (چهار باغ در چهار گوشه سرا و حوضی در وسط) است. همچنین عملکرد تخصصی هر سرا در نگهداری و عرضه تخصصی کالاها و خدمات مربوطه است. سراهای بازار تبریز به عنوان فضاهای خالی و باز در کل بافت بازار به طور متعادل توزیع شده اند. شبکه سراها با نظمی همچون شبکه شطرنجی امکان بارگیری و باراندازی کاروان ها برای نقاط دلخواه بازار را در گذشته به خوبی فراهم می کرده اند. اندازه سراها نسبتا از سایر فضاها همچون تیمچه ها و مساجد

بزرگتر هستند و وجود پوشش گیاهی و حوض آب در برخی از آنها نظم فضایی-کالبدی با استفاده از طبیعت را فراهم نموده است.

۳-۲- شاخصه های اثرگذار منظر شهری بازار (منظر بیرونی) بر محلات پیرامونی

منظر بازار تبریز به طور کلی در دو دسته منظر درونی و منظر بیرونی قابل بازشناسی است. در بخش منظر بیرونی که اثرات آن مستقیماً بر محلات پیرامونی مشهود بوده و کیفیت فضاهای عمومی پیرامونی را ارتقا می بخشد عموماً عینیت حاصل از فرم ابنیه و رنگ جداره ها را شامل می شود. در واقع نظام دید و منظر بیرونی بازار تبریز ورودی های بازار، فرم و فضای سراها و مناظر سبز و درختان موجود در آن، پل بازارها و مصالح بومی تشکیل می دهد.

شکل ۱۳. کلان مولفه های تاثیرگذار بر منظر بازار (حاصل از مطالعات نظری)



نتیجه گیری

سازمان فضایی و عناصر تشکیل دهنده بازار تبریز به عنوان مجموعه ای چندعملکردی و توجه به زمینه استقرار خود، با محلات و نواحی پیرامونی در پیوند و ارتباطی منطقی قرار گرفته است. این پیوند که از طریق نظم کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاصی حاصل شده است، دارای ویژگی ها و اثرگذاری های زیر در ساخت و توسعه محلات شهر است:

- **رشد تدریجی:** با توجه به نقش زمان و مشارکت مردم و اصناف در شکل گیری بازار، می توان رشد، توسعه و نقش پذیری و اثرگذاری آن بر ساختار کالبدی شهر را تدریجی (و نه یکباره) دانست. بازار تبریز حداقل سه دوره زمانی مهم در تاریخ کشور (دوران ایلخانان، صفویان و قاجار) را به هم پیوند داده و در این سه دوره (ولو با فراز و نشیب های مختلف) استمرار یافته و در اتصال و پیوند با بافت های پیرامونی قرار گرفته است و حتی با استفاده از پل بازارهایی بافت بازار و شهر را به آن سوی مهران رود گسترانده است.

- **ایجاد محورهای حرکتی بر مسیرهای موجود:** محورهای موجود ساختار شبکه ای بازار تبریز که اغلب روی مسیرهای مهم شهری و به موازات آن تشکیل شده است، به عنوان رگ های شریانی در بافت بازار عمل کرده و پیوند و انسجامی جدایی ناپذیر با بافت ایجاد نموده است. چنانکه راسته های فرعی و دالان های بازار نیز بر مسیرهای فرعی رشد کرده و بدین ترتیب بازار با زمینه ارتباطی خود درهم تنیده و عجین شده است.

- **وجود کانون ها و مراکز عمومی:** احداث مساجد و مراکز دینی و سایر کانون های اجتماعی و فرهنگی در داخل و لبه های بافت بازار، موجب مراجعه و استفاده کلیه شهروندان از این مراکز شده است. علاوه بر نقش کانون های فوق در

وحدت تعامل و اجتماعی شهروندان، این نحوه استقرار به میزان قابل توجهی بر انسجام کالبدی بازار با سایر اجزای شهر نیز اثرگذار بوده است.

– **برخورداری از ورودی های متعدد:** ورودی های چندگانه بازار تبریز به بافت پیرامونی آن از مهم ترین عوامل پیوند دهنده و کانال ارتباطی بازار و محلات است. این ورودی ها می توانند از بازار به محلات، دروازه های شهر، مرکز شهر، میدان شهر و مسجد جامع باشد که به عنوان فضایی پیوند دهنده عمل می کند.

– **بازار هم به مثابه مقصد و هم مسیر:** بازارهای تاریخی از جمله بازار تبریز بر خلاف مراکز تجاری معاصر، صرفاً مقاصدی برای خرید نیست. هم مقصد است و هم مسیر و محل گذر که عابران را به مقصدی دیگر سوق دهد. علاوه بر این دو، بازار تبریز با تعاریف پیشین محلی برای وقوع رویداد نیز هست.

جدول ۱: عوامل شکل دهنده بازار و محلات پیرامون آن با تاثیرپذیری از مکتب شهرسازی تبریز

عوامل شکل دهنده بازار و محلات پیرامون آن با تاثیرپذیری از مکتب شهرسازی تبریز			
عوامل کالبدی	عوامل محتوایی	عوامل کارکردی	عوامل محیطی
تناسبات و مقیاس انسانی فضاها	وجود همبستگی و سرمایه اجتماعی بالا	برگزاری مراسم های آیینی و ملی و رسومات خاص بازاریان	اقلیم سرد کوهستانی
وجود پل بازارها به عنوان ساختار مکمل بازار	تاثیرپذیری از عنصر فرهنگ، مذهب و زبان	شهرت بین المللی کالاها (منجمله صنعت چرم، فرش، کفش و ...)	استقرار در مسیر جاده ابریشم
سرپوشیدگی کامل بازار	آرامش و روح افزایی بوم شناسی صوتی با پخش اذان از مساجد متصل بازار	تعدد صنوف، مشاغل و حجره ها و راسته ها	تاثیرپذیری از مسائل سیاسی (پایتختی کشور در دوره های ایلخانی، صفوی و ولیعهدنشینی در دوره قاجار)
ابعاد زیبایی شناسانه منظر و ویژگی های بصری همچون رعایت هارمونی، وحدت، تقارن، تناسب، توازن، تنوع، ریتم	سرزندگی بالای فضایی	انبارداری کالاها علاوه بر خرید و فروش آن	
بافت شبکه ای بازار	سطح بالای شاخص امنیت فضا	عملکردهای تخصصی هر سرا	
استفاده از مصالح بومی چون آجر، سنگ و چوب			
تشخص داشتن از نظر پلان، مقطع و نما			
تمایز از نظر بافت و رنگ با سایر بازارهای مشابه چون بازار اصفهان و شیراز			

تحقیق حاضر علیرغم محدودیت هایی که در پژوهش حاضر همچون محدودیت های مالی، بازدیدها و برداشت های میدانی، دسترسی به اسناد معتبر تاریخی و ... وجود داشت، صورت پذیرفت. با وجود این موضوع مکتب شهرسازی تبریز از حیث تاثیرات غیرقابل انکاری که حداقل در دو دوره تاریخی ایلخانی و صفویه بر نظام ساخت و توسعه شهری ایران نهاده است، قابلیت مطالعه و تحقیق جهت استخراج الگوها و آموزه های شهرسازی ایرانی-اسلامی در بخش هایی همچون نظام برنامه ریزی، تشکیل هسته های جدید شهری، قواعد پیوندهای فضایی محلات، قواعد پایداری کالبدی و اجتماعی، بازآفرینی فرهنگ مبنا است که پیشنهاد می گردد موضوع پژوهش های بعدی در صوص این مکتب باشد.

منابع و مأخذ

- ابن بطوطه (۱۳۶۱)، *سفرنامه ابن بطوطه (رحله)*، چاپ سوم، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- اولیاء چلبی (۱۳۱۴)، *سیاحتنامه اولیاء چلبی*، جلد ۲، تهران، انتشارات اقدام.
- اهری، زهرا (۱۳۸۰)، *مکتب اصفهان در شهرسازی (زبان شناسی عناصر و فضاهای شهری، واژگان و قواعد دستوری)*، مشاور: محسن حبیبی، تهران، دانشگاه هنر، معاونت پژوهشی.
- ایراندوست، کیومرث و بهمنی، آرمان (۱۳۹۵)، *تحولات کالبدی بازار در شهرهای ایران (نمونه موردی: بازار کرمانشاه)*، فصلنامه شهر ایرانی-اسلامی، شماره (۵)، ۱۵-۵.
- باربارو، جوزفا (۱۳۷۹)، *سفرنامه ونیزیان در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات ۲۵ شهریور.
- بلیان اصل، لیدا (۱۳۸۶)، *بررسی عوامل تاثیرگذار بر سازماندهی عناصر معماری و شهری تبریز با تاکید بر نقشه دارالسلطنه قراجه داغی*، طرح پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. <https://doi.org/10.22034/bagh.2016.33121>
- بلیان اصل، لیدا (۱۳۹۵)، *ساختار فضایی شهر تبریز در دوره صفوی با مقایسه تطبیقی سفرنامه ها و اسناد تصویری*، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، صص ۴۷-۶۰.
- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۹۰)، *تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران از آغاز تا دوران قاجار*، تهران، انتشارات آرمانشهر.
- پتروففسکی، الکساندر (۱۳۷۹)، *اوضاع اجتماعی-اقتصادی ایران در دوره ایلخانان*، دانشگاه کمبریج، جلد پنجم، ترجمه حسن انوشه، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- پورجعفر، محمدرضا، مولایی اصغر و پورجعفر، علی (۱۳۹۵)، *تبیین ویژگی های طراحی شهری ایارانی اسلامی تبریز: مورد مطالعاتی بازار بزرگ شهر، تهران*، فصلنامه علمی و پژوهشی فیروزه اسلام، شماره (۲)، صص ۸۷-۱۰۸.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۵)، *از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر و تاثیر)*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- خامچی، بهروز (۱۳۸۹)، *تبریز از نگاه جهانگردان*، تبریز، انتشارات یاران.
- رَیْزِی، رَیْزِی، آموِس (۱۳۸۳)، *منشاء فرهنگی مجتمع های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده*، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی علم و صنعت ایران.
- سلطانزاده، حسین (۱۳۸۶)، *بازارهای ایرانی*، چاپ چهارم، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
- سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق (۱۳۵۳)، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات طهوری.
- شاردن، ژان (۱۳۳۵)، *سیاحتنامه شاردن*، جلد ۲، ترجمه محمد عباسی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- شکاری نیری، جواد (۱۳۸۴)، *یافته هایی از طرح شنب غازان، پدیده شهری عصر ایلخانی*، نشریه هنرهای زیبا، شماره (۲۴)، ۷۳-۸۰.
- عمرانی، بهروز و اسمعیلی، حسین (۱۳۸۵)، *بافت تاریخی تبریز*، تهران، انتشارات سمیرا. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2005.10091>
- فخاری تهران، فرهاد، بانی مسعود، امیر (۱۳۸۵)، *بازخوانی نقشه های تاریخی شهر تبریز*، تبریز، سازمان عمران و بهسازی شهری منطقه شمال غرب کشور.
- فروتن، منوچهر (۱۳۸۸)، *تحلیلی از فضاهای شهری از تبریز ایلخانی تا اصفهان صفوی*، نشریه هویت شهری، شماره (۴)، ۹۵-۱۰۶.
- کلاویخو، روی گونزالس (۱۳۴۴)، *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- محمد مرادی، اصغر و جعفرپور، ساناز (۱۳۹۲)، *بررسی روند توسعه شهری دوره ایلخانی با تحلیلی بر توسعه شهری تبریز*، نشریه علمی پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره (۶)، ۸۲-۱۰۹. <https://doi.org/10.30495/isau.2014.538563>

- مرصوصی، نفیسه و باقرخانی، محمد (۱۳۹۱)، *تحلیل کارکردهای اقتصادی بازار تبریز و حوزه نفوذ آن*، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۵، صص ۱۵۲-۱۳۳. <https://doi.org/10.22059/jhgr.2012.29822>
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲)، *نرّهه القلوب*، تصحیح گای لیسترانج، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، انتشارات طهوری.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۵۲)، *تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری*، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی.
- مولایی، اصغر (۱۳۹۸)، *سرمایه اجتماعی در بازارهای تاریخ ایران مورد مطالعاتی بازار تاریخی تبریز*، فصلنامه علمی پژوهشی جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، شماره ۱۵، صص ۸۸-۶۱. <https://doi.org/10.22080/ssi.2020.17066.1770>
- مومنی، مصطفی (۱۳۸۰)، *تبریز در دانشنامه جهان اسلام*، جلد ۶، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- نادر میرزا (۱۳۷۳)، *تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز*، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز، انتشارات گلشن.

Recognizing the Role of the Bazaar as a Structural Element of Neighborhoods in the Tabriz School of Urbanism (Case Study: Grand Bazaar of Tabriz)

Morteza Lotfipour Siahkalroudi¹
Zahra sadat Saiedeh Zarabadi ² (corresponding author)
Mostafa Behzadfar³
Farah Habib⁴

Abstract:

In the history of Iran, particularly after the advent of Islam, schools of art, architecture, and urban planning emerged as civilizational components shaped by cultural traditions, religious beliefs, politics, geography, and social conditions. Their influence extended beyond temporal and spatial boundaries, with the cultural history of cities serving as a major factor in the rise of architectural styles and urban schools. When the material and spiritual achievements of a society matured and transcended stylistic limits, they formed what became recognized as a “school.” At times, government initiatives accelerated this process.

Among Iranian cities, Tabriz has had a unique role in shaping the country’s cultural and historical trajectory. During the Ilkhanate, it became the capital, gaining prosperity and recognition as a center of science, politics, trade, and industry. The “Tabriz School” left a profound impact beyond Azerbaijan, especially in painting, architecture, and urbanism. In both the Ilkhanate and Safavid periods—known as the First and Second Tabriz Schools—the city generated ideas, theories, and plans that established a value system for city building and urban life.

The Traditional Grand Bazaar of Tabriz, as a central element of this school, went far beyond its commercial function to shape the physical and social structure of neighborhoods. Like other bazaars in Iran, it adapted to cultural, climatic, and economic contexts, but the Tabriz Bazaar—today a UNESCO World Heritage site—stands as a pillar of urban identity. Recognizing its hidden dimensions helps to understand the structure of traditional neighborhoods in Tabriz.

This study aims to identify the Bazaar’s role in shaping identity and its physical, economic, and social manifestations in the Tabriz School of urbanism. Using a descriptive-analytical and historical approach, the research relies on historiography, library resources, and field observations. Findings reveal that the Bazaar’s influence can be grouped into physical, functional, content-related, and environmental aspects. Features such as gradual spatial growth, crossing axes, central spaces, multiple access points, and its dual role as both destination and thoroughfare have deeply shaped Tabriz’s neighborhoods.

Keywords:

1- Department of Urban Development, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2- Associate Professor, Department of Urban Development, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (email: z.zarabadi@srbiau.ac.ir)

3- Professor, Department of Urban Development, Faculty of architecture & urban Development, Iran University of Science & Technology, Tehran, Iran.

4 Professor, Department of Urban Development, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.